



[WWW.HPNEWS.BLOGFA.COM](http://WWW.HPNEWS.BLOGFA.COM)

هری پاتر و نیمه خونی

نویسنده : سوروس سعید اسنپ

[only\\_love\\_only\\_love\\_only\\_love@yahoo.com](mailto:only_love_only_love_only_love@yahoo.com)

[saeed\\_draf@hotmail.com](mailto:saeed_draf@hotmail.com)

فصل اول : تابستان عجیب

هوای عجیبی بود بر خلاف سال قبل هوایی آفتابی بر شهر لندن سایه افکنده بود. هری گوشه‌ی تخت نشسته بود و به کوچکی پروت در ایونگام می‌کرد و به وقایع اخیر فکر می‌کرد مرگ دامبلدور جاودانه ساز های ولد مورت و آینده‌ی مدرسه او در هفته‌ی گذشته نامه‌ای از پروفیسور مک‌گوناگل دریافت کرده بود و پروفیسور در آن به هری گفته بود که احتمالاً مدرسه امسال تعطیل است. اما هری می‌دانست که ممکن است دیگر هیچ‌گاه مدرسه هانگوارتز باز گشایی نشود.

- خب بالاخره نظرت در مورد ای آر بی چیه؟

- نمی‌دونم هر میون چند بار این سوالو از من می‌پرسی؟

رون گفت:

- هری به نظر ما ( او با مشاهده‌ی چهره‌ی خشمگین هر میون جمله اش را تصحیح کرد) خیلی خب به نظر هر میون ای آر بی همون برادر سیریوسه.

هری به فکر فرو رفت بعد از چند لحظه گفت:

- آره ممکنه.

کل بعد از ظهر آن روز به بحث در مورد برادر سیریوس مشغول بودند. آن‌ها در اتاق پذیرایی خانه‌ی ورنون دورسلی نشسته بودند. عمو ورنون از این وضع بسیار ناراضی بود اما نمی‌توانست کاری انجام دهد زیرا می‌ترسید که او را طلسم کنند. دادلی نیز به بهانه‌ی حضور هری و دوستانش صبح از خانه بیرون می‌رفت و نیمه شب باز می‌گشت. خاله پتونیاه گاه هز همسایه‌ها می‌شنید که دادلی را هنگام سیگار کشیدن یا دزدی از خیابان‌ها دیده‌اند اما دلش نمی‌خواست این‌ها را باور کند و با خود می‌گفت که آن‌ها به دادلی من حسودی می‌کنند.

- هری باور کن این ای آر بی همون برادر سیریوسه.

این صدای رون بود که با هری صحبت می‌کرد.

اما هری مخالفت کرد و گفت:

- غیر ممکنه.

- آخه چرا؟

- ببینم اصلاً شما دو تا چه دلیلی دارین؟

- خوب اسمشون شبیهه.

- اما این که دلیل نمی‌شه. تازه ممکنه این به اسم جعلی باشه.

هر میون که تا به حال سکوت کرده بود گفت:

- ازه اینم ممکنه مگه اسم اسنپ یادتون رفته اونم می‌تونه به خودش بگه ای آر بی پی و ما نشناسیمش.

هری ادامه داد:

- در ضمن برادره سیریوس انقدر جادو گر قوی ای نبوده که بتونه به اون جاودانه ساز برسه حتی دامبلدورم به سختی به اون جا رسید و در ازای مرگش اون جامو دید.

رون گفت:

- اما دامبلدور و اسنپ کشت که.

- نه دامبلدور به هر حال با خوردن اون زهر می‌مرد خودش اینو به من گفت. اسنپ فقط مردنشو جلو انداخت.

رون فحشی به اسنپ داد و با کمال تعجب هر میون نیز همین کار را کرد.

هری گفت:

حالا وقت این کارا نیست ما باید به جاودانه سازا و ای آر بی فکر کنیم. فقط خدا کنه ای آر بی زنده باشه چون در غیر این صورت هیچ کس نمی‌تونه به ما

کسک کنه.

- پسه دیگه.

این صدای نعره‌ی عمو ورنون بود که هری و رون و هر میون را از جا پراند او ادامه داد: